

# تاریخ ایران کمبریج

کامران فانی

## تاریخ ایران

از اسلام تا سلاجقه

از سلسله تیغیان گرمه تاریخ ایران  
دانشگاه کمبریج

(جلد چهارم)

متألف از:  
دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، سیدحسن نصر، هرگفتی پهلوی،  
آ. پاسورن، دیلموندو نکت، گلود کافن، هنری کرین و دیگران...

گردآورنده: د. ن. فرای  
ترجمه: حسن اولوی



موسسه انتشارات آزاد کسر

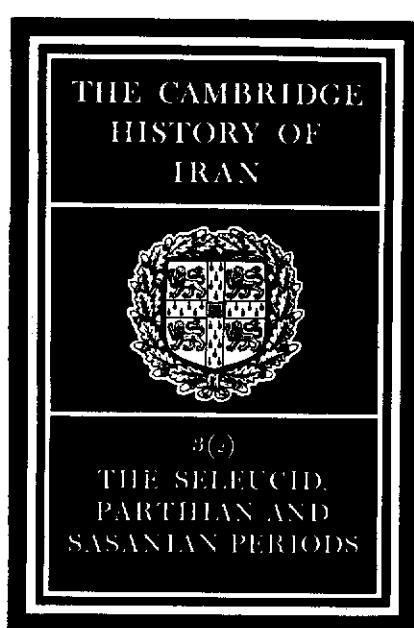
تهران، ۱۳۶۳

تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه. جلد  
چهارم. گردآورنده: د. ن. فرای، مترجم:  
حسن انوشه. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ۶۷۰،  
ص، ۱۴۵۰ ریال.

جای خوشوقتی است که پس از سالها انتظار سرانجام یکی از مجلدات هفتگانه تاریخ ایران کمبریج به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد. دوره تاریخ ایران کمبریج مفصلترین و جامعترین و به یک معنی معتبرترین کتابی است که تاکنون درباره تاریخ ایران نوشته شده است. اصل این کتاب به زبان انگلیسی است. نخستین مجلد آن در ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ شمسی) منتشر شد و تاکنون شش مجلد آن انتشار یافته است و مجلد هفتم آن نیز در دست انتشار است. تردیدی نیست که خواننده ایرانی فارسی زبان بیش از خواننده انگلیسی و یا هر خواننده خارجی دیگر سزاوار آن است که مفصلترین کتابی را که با همکاری بین المللی درباره تاریخ کشورش نوشته شده، بخواند. حق بود که این کتاب زودتر از این-همزمان با چاپ من اصلی و یا اندکی پس از انتشار آن- به فارسی درمی آمد. امیدواریم این درنگ و تأخیر دیگر ادامه پیدا نکند و ترجمه بقیه مجلدات هفتگانه این تاریخ هر چه زودتر در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار گیرد.

ایران دست کم سه هزار سال تاریخ مداوم دارد، تاریخی سرشار از فراز و نشیبهای عبرت آموز، امراوتوریها و پادشاهیها چه بسا آمدند و رفتند، ولی خاطره کشور بزرگ یکهارچه هرگز فراموش نشد. به گفته ریچارد فرای که این جلد از مجموعه تاریخ ایران کمبریج زیر نظر او منتشر شده است: «تشیبی که شاید بهتر بتواند این خاصیت تداوم و نوپذیری را تعییر کند، همانا سرو است که در اشعار فارسی سخن بسیار از آن آمده است. این درخت مانند کاج از طوفان یا بادهای سهم نمی شکند و قابلیت انعطاف دارد. چون باد سهمگین بوزد خم می شود و سر بر زمین می ساید و سپس با آرامش طوفان باز قد راست می کند» (عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۹).

ولی تعداد کتابهایی که تمامی این سیر پر فراز و نشیب را باز نماید و کل ادوار تاریخی ایران را دربرداشته باشد، اندک شمار



دوره‌های تاریخ کمپریج که درباره تاریخ جهان و با تاریخ برخی از کشورها تألیف شده، شهرت جهانی دارد و از اعتبار و حیثیتی تمام برخوردار است. مهمترین مجموعه تاریخهای کمپریج، «تاریخ جهان کمپریج» است که در سه بخش (دوره باستانی، قرون وسطی، و جدید) در سی و پنج مجلد مفصل منتشر شده و احتمالاً معترض‌ترین تاریخ جهان است. یکی از آرزوهای نگارنده همواره این بوده است که این مجموعه عظیم و یا لاقل بخش مر بوی به ایران آن (که خود بالغ بر چند هزار صفحه می‌شود) به فارسی ترجمه شود. دانشگاه کمپریج علاوه بر تاریخ جهان، درباره بسیاری از کشورها نیز جداگانه تاریخهای مفصل چند جلدی منتشر کرده است. طرح تدوین و انتشار تاریخ ایران کمپریج نیز گامی دیگر بوده است در این راه.

فکر تدوین دوره تاریخ ایران کمپریج مدیون آرتور جان آربری، مستشرق مأمور علیه انگلیسی و استاد زبان فارسی و عربی دانشگاه کمپریج است. آربری از ایران‌شناسان بزرگ قرن بیستم بود. کتاب ادبیات کلاسیک فارسی او، با وجود اختصار، از خواندنی‌ترین و دلنشیں‌ترین کتابهایی است که درباره ادب فارسی نوشته شده است. ترجمة قرآن او به انگلیسی شاید بهترین و فصیحترین ترجمه‌ای باشد که از قرآن به زبان انگلیسی انجام پذیرفته است. آربری مترجمی زبردست بود، و ترجمه‌های او سرشار از ذوق و ظرافت است. باری آربری خود در مقدمه‌ای که بر مجلد اول تاریخ ایران کمپریج نوشته چگونگی پیدایش این فکر و بسط و انجام آن را شرح داده است. آنچه موجب شکفتی او بود اینکه تاریخ ایران با تمام درخشش و عظمتش در هاله‌ای از تاریکی و ابهام است و هنوز هیچ کتاب جامعی درباره آن نوشته نشده است. آربری نخستین گام را در این راه با تدوین کتاب میراث ایران برداشت، مجموعه‌ای درباره تاریخ و فرهنگ ایران زمین به قلم سیزده تن از ایران‌شناسان، مخاطب این کتاب خواننده عادی بود و حجم کتاب هم از چند صفحه تجاوز نمی‌کرد و این همه البته طرح عظیمی را که آربری درباره تاریخ مفصل و جامع ایران در سرداشت، برآورده نمی‌کرد. او در اوایل سالهای دهه شصت (اوایل سالهای ۱۳۴۰) این فکر را با قدس نخعی، سفیر ایران در لندن، در میان گذاشت. نخعی که مردی با فرهنگ و هنر دوست و شاعر بود (و به قول آربری کدام ایرانی است که شاعر نیاشد) با این طرح موافقت کرد و نهایت همکاری را نمود و چون آربری از قول شکسپیر در نمایشنامه کمدی اشتباہات این جمله را خواند که «من آهنگ ایران دارم و برای سفرم نیازمند بولم»، با شرکت ملی نفت ایران تماس گرفت و «بانی خیر» یافت. شرکت ملی نفت هزینه تألیف و چاپ تاریخ مفصل ایران را تقبل کرد. در این میان هیأت امنای انتشارات دانشگاه کمپریج نیز با

ست و از انگلستان دوست تجاوز نمی‌کند. ظاهرًا نخستین کتاب عام در این زمینه، تاریخ ایران سرجان ملکم است که در اوایل رن نوزدهم نوشته شد و امروزه ارزش خود را- احتمالاً به جز صول آخر آن که درباره زندیه و اوایل قاجاریه است و مؤلف خود ناهد آن بوده- یکسره از دست داده است. تاریخ ایران سرپرسی مایکس نیز که حدود پنجاه سال پیش در دو مجلد تألیف شده، با نکه کتابی خواندنی است، ولی حتی در زمان تألیف هم ارزش حقیقی چندانی نداشت. ایران‌شناسان شوروی نیز دو کتاب ئوتاه و مختصر درباره کل تاریخ ایران به صورت کار گروهی و شنیده‌اند که چون متکی بر بینشی یک جانبه و قالبی است، صویری مخدوش و نادرست از تاریخ ایران بدست می‌دهد. در سالهای اخیر نیز کتابی از یک ایران‌شناس ایتالیایی، الساندرو اسانی، تحت عنوان ایرانیان منتشر شده که با وجود اجمال و اختصار، شاید بهترین اثر کوتاهی باشد که درباره کل تاریخ ایران آکنون نوشته شده است.

متأسفانه خود ما ایرانیان در این میان کوتاهی بسیار کرده‌ایم. لمرح تدوین و تألیف تاریخ جامع ایران حدود شصت سال پیش یخته شد. قرار بود با همکاری چند تن از محققان ایرانی، تاریخ فصلی درباره ایران در سه بخش نوشته شود. بخش اول آن که از غاز تا اسلام بود به عهده حسن پیرنیا (مشیر الدوله) گذارده شد. پیرنیا سالهای آخر عمر خود را یکسره وقف این کار کرد و کتاب گرانقدر تاریخ ایران باستان را در سه مجلد نوشته که هنوز هم پس زگذشت پنجاه سال مهمترین اثری است که درباره ایران عهد استان تألیف شده است. پیرنیا به اوآخر دوره پارتیان رسیده بود که عمرش به سر رسید و مزگ فرست نداد که این کارستگ را به نجام رساند. بخش دوم این طرح را که از اسلام تا مغول بود سید حسن تقی زاده به عهده گرفت. تقی زاده که قرار بود تاریخ ایران را از «پرویز تا چنگیز» بنویسد، نه تنها به چنگیز نرسید بلکه زیر ویز هم فراتر نرفت. تألیف بخش سوم این طرح نیز به عهده عباس اقبال آشتیانی افتاد که فقط تاریخ دوره مغول را نوشت و بقیه آن را که قرار بود تا زمانه حاضر را در بر بگیرد رها کرد. طرح تدوین تاریخ جامع ایران بدین گونه، ناکام ماند. در این میان پیرنیا و اقبال با همکاری یکدیگر تاریخ مختصری درباره ایران نوشتند که تنها تاریخ یک جلدی موقت درباره ایران است. جای تأسیف است که ما هنوز هم یک تاریخ جامع مفصل درباره ایران نداریم و ننوشته‌ایم.

چنانکه گفتیم تاریخ ایران کمپریج جدیدترین و مفصلترین کتابی است که درباره کل ادوار تاریخی ایران نوشته شده است. دانشگاه کمپریج انگلستان صاحب مکتبی تاریخی است که با نام لرد اکتون، مورخ شهری قرن نوزدهمی انگلستان، قرین است.

این طرح موافقت کردند و بخشی از هزینه آن را هم به عهده گرفتند. بدینگونه فکر تدوین تاریخ ایران کمربیج جامه عمل به خود پوشید.

گام بعدی تشکیل «هیأت مشاوران و ویراستاران» بود. آبروی خود به ریاست این هیأت انتخاب شد. اعضای دیگر این هیأت عبارت بودند از: هارولد بیلی، استاد ممتاز دانشگاه کمربیج؛ ج. بویل، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه منچستر؛ بازیل گری، مسؤول بخش ایرانی موزه بریتانیا؛ خانم لمبтон، استاد زبان فارسی دانشگاه لندن؛ لکهارت، عضو دانشگاه کمربیج؛ و بی تر ایوری، دانشیار زبان فارسی دانشگاه کمربیج. طرح آبروی در این هیأت مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و قرار شد تاریخ ایران در هشت مجلد ۵۰۰ صفحه‌ای (بعد همان تعداد صفحات عمالاً افزایش بسیار یافت) و هر جلد زیر نظر یک ویراستار تدوین شود. نخستین جلد تحت عنوان «سرزمین ایران» در ۱۹۶۸ با مقدمه آبروی انتشار یافت. پس از مرگ آبروی (۱۹۷۰ م.) هارولد بیلی به ریاست هیأت انتخاب شد و اعضای جدیدی بر هیأت افزوده شدند: باسورث، استاد مطالعات عربی دانشگاه منچستر؛ گروسویج استاد مطالعات ایرانی دانشگاه کمربیج؛ ماکس مالومان، استاد ممتاز باستان‌شناسی دانشگاه لندن؛ مرحوم محمود صناعی، استاد روانشناسی دانشگاه تهران؛ و هیو برتر دارک، استاد زبان فارسی دانشگاه کمربیج. آنچه از مجلدات تاریخ ایران کمربیج تاکنون منتشر شده است به شرح زیر است:

- جلد اول: سرزمین ایران. زیر نظر و. ب. فیشر، استاد جغرافیای دانشگاه دوربان انگلستان، شامل جغرافیای طبیعی و اقتصادی، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی و گیاوزیای ایران، چاپ ۱۹۶۸ (صفحه ۷۸۴).
- جلد دوم: مادها و هخامنشیان. زیر نظر ایلیا گروسویج، استاد دانشگاه کمربیج، شامل تاریخ ایران از ماقبل تاریخ تا حمله اسکندر، چاپ ۱۹۸۵ (صفحه ۹۶۳).
- جلد سوم: اشکانیان و ساسانیان. زیر نظر احسان یارشاطر، استاد دانشگاه کلمبیای آمریکا. تاریخ سلوکیان در ایران نیز در همین جلد آمده. چاپ ۱۹۸۲، (۲ جلد، ۱۴۸۸ صفحه).
- جلد چهارم: از اسلام تا سلجوقیان. زیر نظر ریچارد فرای، استاد دانشگاه هاروارد آمریکا. چاپ ۱۹۷۵ (۷۳۴ صفحه).
- جلد پنجم: سلجوقیان و مغول. زیر نظر ج. ا. بویل، استاد دانشگاه منچستر انگلستان. چاپ ۱۹۶۸، (۷۷۸ صفحه).
- جلد ششم: تیموریان و صفویان. زیر نظر لکهارت و سیوری، استاد دانشگاه کمربیج. چاپ ۱۹۸۵.
- جلد هفتم و هشتم تاکنون منتشر نشده است. در طرح اولیه قرار بود که جلد هفتم از قرن هجدهم میلادی تا زمان حاضر را

در برگیرد و جلد هشتم نیز شامل کتابشناسی مفصل، فرهنگ عوام، بررسی تحقیقات ایران‌شناسی و فهرست عام مجله‌دار هفتگانه قبلی باشد. این طرح بعداً تغییر کرد و قرار شد جلد هفتم زیر نظر ولیام ایوری، استاد دانشگاه کمربیج، شامل دور افساریه، زندیه و قاجاریه باشد و جلد هشتم زیر نظر هیو برتر دار دوره پهلوی را در برگیرد. آقای دارک که ضمناً سرپرست دبیرخانه هیأت مشاوران و ویراستاران را نیز به عهده دارد، نامه‌ای که اخیراً برای نگارنده فرستاد، اظهار داشت که این طریق نیز تغییر کرده و جلد هفتم زیر نظر ایوری و هامبلی (و خود ایشان از دوره افساریه تا زمان حاضر را در برخواهد گرفت و تاریخ ایران کمربیج جلد هشتمی نخواهد داشت. با انتشار این جلد، کلیام هفت جلدی تاریخ ایران کمربیج به پایان خواهد رسید.

در تدوین تاریخ ایران کمربیج حدود صد محقق ایران‌شناس از سراسر جهان، همکاری داشته‌اند. حسن و عیب چنین که عظیم گروهی روشن است. آقای دکتر زرین کوب که خود تألیف این دوره همکاری داشته‌اند، و شایستگی ارزیابی دوره تاریخ کمربیج ایران را از هر حیث دارند، در نقد مفصلی که «سال ۱۳۴۸ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درباره جلد پنجم این تاریخ نوشته‌اند، چنین اظهار نظر می‌کنند: «این همکاری یا کاربخشی البته این مزیت را دارد که کتاب در هر قسمت تا حد زیادی از آخرین تحقیقات راجع به آن قسمت چندان دور نیست. اما عیش این است که غالباً فقط حداقل هماهنگی و یکسانی که لازمه هر تألیف جامع هست بهره می‌یابد و این امر اگر در یک مجموعه مقالات، در یک یادنامه، در یک جشن نامه، در یک دایرة المعارف، قابل اعتماد باشد در یک تاریخ جامع ظاهر آبیش از آن زنده است که قابل اعتماد تواند بود.»

واقع اگر یک دید بلند مورخانه، که کردار اشخاص گونه‌گون را در طی ادوار مستمر پدید آمده اند بتواند بهم بپیوندد و تحرکی را در حوادث تاریخ است نشان دهد، در این مجموعه به چشم نمی‌خورد تنها نه از آن روست که ظاهرآ طراحان کتاب خواسته‌اند چیزی مانند دائرة المعارف تاریخی تهیه کنند و بناءً کار را بر تدوین و تلخیص اطلاعات موجود گذاشته‌اند نه نقد تحلیل آنها، بلکه بیشتر از آن روست که تاریخ با بینش یک محقق تهیه شده است نه با بینش یک مورخ... در تاریخ شرق، خاص ایران، محققان غالباً خاصه شرق‌شناسان فرنگی - چنان‌های سرهای میلتون گیب از روی انصاف تصدیق می‌کند بیشتر به آسبب که پاره‌ای مقدمات و وسائل کار را دارند و مخصوصاً به سبب آنکه اگر آنها بدین امر دست نزنند میدان خالی خواهد ماند، این کار وارد می‌شوند. اما ورود آنها سبب می‌شود که تاریخ شرق نه از نظرگاه مورخ، بلکه از چشم انداز ارباب لغت و ادب بررسی

اسلام تا سلاجقه. بعلاوه، اینکه در صفحه عنوان ترجمه فارسی آمده: «از سلسله تحقیقات گروه تاریخ در دانشگاه کمبریج» نیز نادرست است و البته در صفحه عنوان متن اصلی هم دیده نمی شود. از قضا در این جلد از تاریخ ایران کمبریج حتی یک نفر هم از محققان دانشگاه کمبریج شرکت نداشته‌اند. دانشگاه کمبریج چنانکه گفتم سرپرستی و نظارت کلی این دوره را (آنهم زیرنظر هیأت مشاورانی که برخی از آنها عضو دانشگاه کمبریج‌اند) به عهده دارد، نه اینکه گروه تاریخ دانشگاه کمبریج آمده باشند و این دوره از تاریخ ایران را نوشته باشند. در همین صفحه عنوان کذایی آمده است: «با مقالاتی از دکتر عبدالحسین زرین کوب، سیدحسین نصر، مرتضی مطهری، باسورث، مادلونگ، کلودکاهن، هنری کربن و دیگران...». و دیگران یعنی چه؟ هر کدام از بخش‌های این کتاب را یکی از محققان بنام نوشته‌اند و جماعت نوزده نفر در نوشتمن این کتاب شرکت داشته‌اند. در متن اصلی کتاب نام نویسنده‌گان بخش‌های مختلف کتاب در صفحه عنوان ذکر نشده و تنها به ذکر نام ویراستار اکتفا شده است. ولی در فهرست مندرجات کتاب، نام و نشان هر نویسنده زیر مقاله‌ای که نوشته به تفصیل ذکر شده است. در فهرست مندرجات ترجمه فارسی این نامها حذف شده و خواننده فارسی هیچ نشانی از اینکه هر فصل و بخش کتاب را چه کسی نوشته است، در دست ندارد. طبعاً خواننده فارسی حق دارد که بداند فی المثل فصل «سلسله‌های کوچک شمال ایران» را که از درخشناترین فصول این کتاب است چه کسی نوشته است و یا مرحوم مطهری و یا دکتر زرین کوب کدام فصل از کتاب را نوشته‌اند. در اینجا از فرصت استفاده می‌کنیم و نام و نشان نویسنده‌گان کتاب را در کتاب مقالات‌شان ذکر می‌کنیم تا خواننده‌گانی که ترجمه فارسی کتاب را گرفته‌اند و احیاناً متن اصلی آن را در دست ندارند، نام این نویسنده‌گان را در فهرست مندرجات ترجمه فارسی کتاب مقالات‌شان بیاورند:

(بخش اول) فتح ایران به دست اعراب و پی‌آمد آن، نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

(بخش دوم) خلافت عباسیان در ایران، نوشته روی متعدد، دانشگاه پرینستون.

(بخش سوم) طاهریان و صفاریان، نوشته کلیفورد باسورث، دانشگاه منچستر.

(بخش چهارم) سامانیان، نوشته ریچارد فرای، دانشگاه هاروارد.

(بخش پنجم) دوره اول غزنوی، نوشته باسورث.

(بخش ششم) سلسله‌های کوچک شمال ایران، نوشته مادلونگ، دانشگاه شیکاگو.

شود. نویسنده تاریخ در واقع می‌باشد از میان اسناد و مدارک موجود آن چیزهایی را برگزیند که از روی آنها می‌توان یک گذشته را تبیین و تحلیل کرد، نه اینکه مثل یک محقق بکوشد برای تمام آنچه از گذشته در عالم تحقیقات ادبی و لغوی مشکل مانده است اسناد و مدارک پیدا کند. متأسفانه بیشتر کسانی که در باب تاریخ شرق نزدیک در قرون وسطی و عصر جدید چیزی نوشته‌اند و می‌نویسنند مورخ به معنی درست کلمه نیستند، بلکه در واقع شرق‌شناسانی هستند که علاقه «آماتوری» به تاریخ دارند... [ولی به‌هر حال] تبحر و احاطه غالب نویسنده‌گان این کتاب، در بسیاری موارد آن را از نکته‌های تازه یا تفسیرهای غالب و آموخته‌شده مسحون کرده است و در هر حال اشتمال کتاب بر حاصل تحقیقات جدید و همکاریهای علمی بین المللی، مزیتی خاص به آن بخشیده است که مطالعه آن را مخصوصاً برای ایرانیان سودمند می‌کند و پربرکت. دانشمندانی که فصول مختلف این کتاب را نوشته‌اند در واقع به سبب تبحری که در این مسائل داشته‌اند تقریباً تمام مأخذ موجود و معروف را بررسی کرده‌اند و بندرت از این لحاظ چیزی از آنها فوت شده است.

جلد چهارم تاریخ ایران کمبریج چنانکه گفتم در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ شمسی) زیر نظر ریچارد فرای با همکاری نوزده تن از محققان ایرانی و خارجی منتشر شد. حق بود آنچه درباره تاریخچه و چگونگی تدوین دوره تاریخ ایران کمبریج گفتم در مقدمه ترجمه فارسی می‌آمد. متأسفانه مترجم و ناشر هیچ‌کدام مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی نتوشته‌اند. صفحه عنوان مغلوش و مفروط و بی‌ربط کتاب هم برسردر گمی بیشتر خواننده می‌افزاید. در صفحه عنوان کتاب آمده است: «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، از سلسله تحقیقات گروه تاریخ در دانشگاه کمبریج، جلد ۴». خواننده در می‌ماند که اگر این مجلد چهارم «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه» است، پس سه جلد قبلی آن کجاست و چرا ترجمه نشده است؟ آیا سه جلد قبلی ترجمه نشده هم درباره «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه» است؟ اصلاً این جلد چهارم کدام کتاب است؟ عنوان صحیح کتاب، چنانکه در متن اصلی هم آمده، باید به این صورت باشد: تاریخ ایران کمبریج، جلد ۴، از

صیغه جهانی داد. بحث و گفتگو درباره تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه البته در این مختصر نمی‌گنجد. مقالات متعدد و پر با رای این کتاب - که بی‌گمان از غث و سمن هم خالی نیست - جای گفتگو بسیار دارد. در برخی از بخش‌های کتاب آراء و نظرات تازه و بدین معنی مطرح شده (مثلًا در بخش مربوط به ملل و نحل و یا بخش رباعیات) که در نوشته‌های فارسی کمتر به آنها بر می‌خوریم. به گمان من بخش‌های سلسله‌های کوچک شمال ایران، قبایل شهرها و سازمان‌بندی اجتماعی، سکه‌شناسی (که در ایران کمتر مورد توجه است)، ملل و نحل، ناصر خسرو و اسماعیلیه ایران، ظهور زبان فارسی نوین، رباعی در ادب نخستین فارسی از بخش‌های دیگر مفیدتر است، ولی البته تمام کتاب خواندنی و دلنشیں است و کتاب‌شناسی مفصل آخر کتاب نیز بر فایده آن می‌افزاید.

لازم است در پایان سخنی هم درباره ترجمه کتاب گفته شود. اصولاً ترجمه تاریخ ایران کمربیج که جز تاریخ سیاسی صرف در آن از هنر و فلسفه و کلام و علوم و ادبیات نیز سخن رفته است و هر بخش آن هم به قلم محقق متخصصی است که شیوه بیان و سبک و سیاق خاصی دارد، کاری دشوار است و نیاز به وسعت اطلاع و دقیق نظر بسیار دارد. آقای حسن انوشه به گمان من در ترجمه این کتاب کلاً موفق بوده است. نثر ترجمه استوار و پخته است. متن اصلی با دقت و امانت به فارسی در آمده، به منابع اصلی رجوع شده و اعلام و اصطلاحات به درستی ضبط شده‌اند. البته مترجم در برگرداندن بخش‌های تاریخی موقتی از بخش‌های دیگر بوده است. بخش‌های ناموقتی بیشتر مربوط به علوم دقیقه، فلسفه و ناصر خسرو و اسماعیلیه است. در یک صفحه از بخش مربوط به جبر (ص ۲۳۴) حدود ده غلط چاپی و غیر چاپی به چشم می‌خورد. بخش ناصر خسرو و اسماعیلیه، به قلم هائزی کربن، دیریاب و مشکل است. کرben این مقاله را به فرانسه نوشت و بعداً به انگلیسی ترجمه شده. در ترجمه انگلیسی هم ابهام وجود دارد و این ابهام در ترجمه فارسی بارزتر شده است.

تاریخ ایران کمربیج کتابی است مهم و معتبر که بی‌شك سالها محل رجوع و استناد خواهد بود و در ترجمه و پر ایش آن هر قدر دقت بیشتر شود، مشکورتر خواهد بود. چاپ و صحافی کتاب نفیس و با سلیقه است، جز آنکه اغلات چاپی فراوان دارد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، جلد پنجم تاریخ ایران کمربیج نیز به ترجمه حسن انوشه و به همت مؤسسه امیرکبیر در دست انتشار است و جلد سوم آن را نیز همین مترجم در دست ترجمه دارد. امید است که مجموعه تاریخ ایران کمربیج که حاصل کار بیست ساله دهها تن محقق ایرانشناس ایران دوست است، به طور کامل به زبان فارسی ترجمه و منتشر گردد.

بخش هفتم) ایران در عصر آل بویه، نوشته هریبرت بوشه، دانشگاه آلمانی است، کیل آلمان.

بخش هشتم) قبایل، شهرها و سازمان‌بندی اجتماعی، نوشته کلدکاهن، دانشگاه پاریس.

بخش نهم) هنرهای دیداری، نوشته الگ گرابار، دانشگاه هاروارد.

بخش دهم) سکه‌شناسی، نوشته ج. مایلز، انجمن سکه‌شناسی آمریکا.

بخش یازدهم) علوم دقیقه، ای. کنی، دانشگاه آمریکایی بیروت.

بخش دوازدهم) علوم زیستی، نوشته سیدحسین نصر، دانشگاه تهران.

بخش سیزدهم) فلسفه، جهان‌شناسی و تصوف، نوشته سیدحسین نصر.

بخش چهاردهم) علوم دینی، نوشته مرتضی مطهری، دانشگاه تهران، و سیدحسین نصر.

بخش پانزدهم) ملل و نحل، نوشته آموره‌تی، دانشگاه رم.

بخش شانزدهم) ناصر خسرو و اسماعیلیه ایران، نوشته هائزی کرben، مدرسه مطالعات عالی، پاریس.

بخش هفدهم) ادبیات زرتشتی، نوشته روانشاد دومناش.

بخش هجدهم) ادب عربی در ایران، نوشته ویکتور دانز، دانشگاه ایندیانا.

بخش نوزدهم) ظهور زبان فارسی نوین، نوشته ژیلبر لازار، دانشگاه پاریس.

بخش بیستم (الف): رباعی در ادب نخستین فارسی، نوشته الول ساتن، دانشگاه ادینبورگ.

بخش بیستم (ب): عمر خیام، نوشته ج. بویل، دانشگاه منچستر.

در ترجمه فارسی متأسفانه مقدمه ریچارد فرای، ویراستار کتاب، نیز حذف شده است. فرای در این مقدمه جز بر شمردن مشکلات کار و شیوه ویراستاریش، نظری کلی به این دوره چهارصدساله که نقش اساسی در ساختن ایران اسلامی داشته، می‌اندازد و آن را در چشم انداز کلی جهان اسلامی ارزیابی می‌کند. به نظر فرای اسلام در شکوفایی فرهنگ ایرانی نقش اساسی داشته است. اسلام نخستین بار پس از دوره هخامنشی اقوام ایرانی را با یکدیگر متعدد کرد و زبان فارسی را از سند و ماوراء النهر تا آناتولی گسترش داد و به فرهنگ ایرانی به یک معنی جنبه بین‌المللی بخشید. خدمت متقابل ایران به اسلام این بود که آن را از تنگ نظری اعراب بدؤی نجات بخشید و به فرهنگ اسلامی - که خود در پایه گذاریش نقش اصلی داشت -